

آثار لعان در فقه و حقوق

تالیف:

فائزه باباخانی

دکتر سعید خردمندی

انتشارات قانون یار

۱۳۹۵

فهرست مطالب

۷.....	مقدمه
۱۱.....	فصل اول
۱۱.....	کلیات
۲۹.....	فصل دوم
۲۹.....	شرایط تحقق و اجرای لعان
۴۵.....	فصل سوم
۴۵.....	آثار فقهی - حقوقی لعان و روش اثبات آن
۹۷.....	فصل چهارم
۹۷.....	خلاصه نتایج و پیشنهادات
۱۳۳.....	منابع و ماخذ

مقدمه

در خصوص بررسی اثارلعان در فقه و حقوق می توان گفت مقوله لعان که در واقع مباحثه بین زن و شوهر است و به جدایی بین آن دو منجر می شود امروز از قوانین متروک به نظر می رسد. پایان نامه فوق در سه فصل تحت عناوین لعان، شرایط تحقق لعان و اجرای آن و آثار فقهی، حقوقی لعان و روش اثبات آن و با اهداف بررسی تاثیر اجرای لعان در توارث بین زوجین، ارث فرزند مورد لعان از پدر، ارث پدر از فرزند لعان شده، رابطه نسبی میان فرزند و زوج در اثر لعان، تاثیر اجرای لعان در رابطه ارثی بین فرزند و مادر، آثار لعان حرمت ابدی در لعان، تاثیر رجوع از لعان در آثار لعان و تاثیر انکار بعد از اقرار در نسب تدوین یافته است. سوال اصلی نگارنده این بوده است که آثار اجرای لعان در فقه و حقوق چیست؟ به نظر می رسد که اجرای لعان نسب قانونی را از بین می برد مانع اعمال حد قذف و سبب نشر حرمت ابدی می شود. لعان در توارث زوج و زوجه تاثیر می گذارد. فرزند بعد از اجرای لعان از پدر ارث نمی برد. وپس از اجرای لعان پدر از فرزند ارث نمی برد و رابطه نسبی بین فرزند و پدر در اثر لعان از بین می رود. لعان سبب قطع رابطه نسبی مادر و فرزند نمی شود. و آثار لعان همیشگی است سبب رابطه توارث زوجه از زوج و برعکس می شود. سبب حرمت ابدی میان زوج و زوجه می شود. رجوع از لعان فقط حق توارث فرزند را برقرار می کند و انکار بعد از اقرار مسموع نیست مگر اینکه انکار به واسطه علل موجه از اشتباه صورت گرفته باشد.

مقوله لعان که در واقع مباحثه بین زن و شوهر است و به جدایی بین آن دو منجر می شود امروز از قوانین متروک به نظر می رسد. عده ای از حقوقدانان نظر داده اند موارد تحقق لعان بیار نادرست است و در نتیجه بر آن شدند که آن را در زمره قوانین متروک بدانند ولی همین حقوقدانان در رساله های خود بخش مفصلی را به این قوانین اختصاص داده اند. بعد از انقلاب اسلامی بسیاری از قوانین با قوانین فقهی هم خوانی نداشت یا در تعارض بودن یا صریحا در تعارض بود مثل پاره ای از قوانین مجازات عمومی بخشی از قوانین حمایت خانواده رویه قالب مراجع قضایی عدم توجه به مقررات صرفا فقهی بود که کمتر دیده می شد.

که دادرسی در مورد سکوت قانون به مراجع فقهی مراجعه کنند. برخلاف اینکه بسیاری از شارحان قانون مدنی راه را فقه می دانستند در نتیجه تاسیساتی همچون لعان ارتداد، نفی ولد و.... در قانون مدنی متروک تلقی می شد و اصولاً چنین دعاوی از طرف دادگاهها مورد استماع قرار نمی گرفت.

با استقرار جمهوری اسلامی و وضع قانون اساسی و خصوصاً اصل ۱۶۸ قانون اساسی که می گوید در موارد سکوت یا اجمال قانون حق مراجعه به منابع فقهی یا فتاوی معتبر وجود دارد یعنی صریحاً این موضوع مطرح شد و و باب جدیدی در تاریخ قضایی ایران مفتوح گردید باید گفت که موضوع و مقوله لعان نیز از نهادهایی است که متروک به شمار نمی رود. چون مواردی از آن وجود دارد که نزد دادرس مطرح شده و به این دلیل که منابع فارسی در این زمینه اندک است می توان قید متروک را به کار برد عدم آگاهی مدعیان یکی از دلایل توصل آنها به انجام لعان می باشد در نتیجه اقدام به طلاق می نمایند. تنها چاره را طلاق می دانند با وجود این به نفی ولد می پردازند در حالیکه با اجرای لعان تفریق بین زوجین حاصل می شود عده ای از مردان هم به علت غیر قابل هضم بودن موضوع دست به قتل همسرشان زده و علت آن را عدم تمایل به طلاق ابراز کرده و چه بسا ابر از لعان مطلع بودند به راحتی از زوجه مفارقت می کردند تبعات سنگین قتل نیز برای آنان پیش نمی آمد امروزه با توسعه و گسترش تکنولوژی در همه رشته های علمی و پزشکی پیشرفتهای قابل ملاحظه ای ایجاد شده که برای متخصصین این علوم خوشایند می باشد موضوع بحث ما نیز از نظر اثباتی با رشته پزشکی در ارتباط است این موضوع حتی امروزه در جامعه ما نسبت به گذشته افزایش پیدا کرده و اگر صحبتی از آن نمی شود دلیل بر عدم وجودش نیست پس بهتر است مردانی که در موادی دچار شک و شبهه می شوند به هر جهت برای اطمینان از این مساله و برای اثبات ادعا با آزمایشهای قطعی مربوط مراجعه تا انجام آن مثل آزمایش در ان ای برای اثبات نسب.

اگر چه صحبت کردن راجع به موضوع لعان و اثبات آن در جامعه ما که یک جامعه اسلامی می باشد دشوار است ولی این را باید گفت که بحث و تحقیق و بازگو نکردن این گونه مسایل



یا به نوعی مشکلات دلیل بر عدم وجود یا نبودن اثر منفی آن نیست مخفی کردن این مباحث چیزی جز حفظ ظاهر کردن و ادعای سالم بودن جامعه نیست اثر منفی این مساله خود عاملی است جهت ریشه کن شدن روابط خانوادگی و فساد بیش از حد در میان ملتی با اعتقاد مثل ملت ایران. باید خاطر نشان کرد که یکی از علتهای وجود این چنین موضوعی دور بودن همسران از یک دیگر است که این دلیل نمی تواند دلیل قانع کننده ای باشد اگر چه قانون با اجازه ازدواج موقت به طرفین اختیارات وسیعی داده است اما در واقع این به عنوان یک مجوز برای آنها است تا هر موقع می خواهند با میل خود رفتار کنند. در نتیجه آیین و اسلوب زناشویی سالم زیر پا گذاشته می شود. با اینکه پاره ای از افراد جامعه به راحتی با این مساله برخورد می کنند ولی عملا با مراجعه به دادگاه خانواده در قبال چنین مردانی با زنانشان که مواحه می شویم چه همسران دائمی چه همسران موقت مسائل معنوی و مادی در کنار هم مهم به نظر می رسند و قس حرف از یکسان بودن حقوق مرد و زن در جامعه مطرح می شود اینچنین حقوق یک زن نادیده گرفته شود ممکن است عده ای که ظاهر قضیه را می بینند اینطور قضاوت کنند که ازدواج موقت برای زنان هماثرات مثبت دار دولی این یک واقعیت است که در کشور ایران بیشتر مردم زیر خط فقر قرار دارند و همین می تواند عامل مهمی در جهت فساد در جامعه و وقوع طلاق باشد. در نتیجه بیشتر خانم هایی که طلاق گرفته اند از نظر اقتصادی نیز با مشکلات بزرگی در ادامه زندگی مواجه می شوند که بهترین راه برای رفع این موضوع در ازدواج موقت است مسلما وقتی انگیزه اولیه برای ازدواج اشتباه می باشد. هیچ سودی عایدشان نخواهد شد نتیجتا نکاح منقطع نمی تواند جای نکاح دائم را بگیرد.

مبحث اول : تعاریف

جامعه متمدن و صنعتی امروز پیامدهای خاصی به دنبال دارد از جمله تزلزل و سستی بنیادهای خانواده کاهش عاطفه و محبت در میان افراد از آنجا که خانواده سرپناه اجتماع محسوب می گردد باید در تحکیم آن چاره اندیشی شود نهایت کوشش را برای ایجاد رابطه صمیمانه و عاطفی در درون خانواده بکار گرفت و گر نه زیان های غیر قابل جبرنی به بار می آورد مساله لعان با مفهوم خانواده نیز در ارتباط است چرا زن و مرد پس از انعقاد نکاح و تشکیل خانواده می دهند زوجیت آنها قابل اثبات است . اگر برای مرد مشخص شود که کودک متعلق به او نیست باید می تواند او را لعن کند در حقوق ایران پس از پیروزی از حقوق اسلام وجود رابطه زوج در زمان انعقاد نطفه شرط است پس اگر در اثر رابطه جنسی آزاد نطفه ای بسته شود نمی توان آن نسب را مشروع دانست در نتیجه می توان لعان را اجرا کرد مقصود از لعان یعنی لعن کردن ، ناسزا گفتن طرد کردن

گفتار اول : لعان در لغت

لعان کلمه ای عربی است مصدر است و به معنی لعن و نفرین است کلمه لعان به معنای راندگی و دوری از رحمت خداست کلمه لعنه به معنی بسیار لعنت کننده است واژه «لعان»، مشتق از مصدر «لعن» به معنای دور ساختن و طرد کردن از خیر و خوبی است (جوهری، ۱۴۱۰، ج ۶، ص ۲۱۹۶). بعضی از لغویین آن را به معنای دور ساختن و طرد کردن از خداوند و نیز نفرین و دشنام دادن می دانند (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۳، ص ۳۸۷). به همین دلیل شخصی را که مورد لعن، نفرین و دشنام قرار گرفته است، لعین و ملعون به معنای مطرود می گویند. یکدیگر را لعنت کردن، نفرین کردن (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۳، ص ۱۹۷۰۷؛ معین، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۳۵۹۴) و لعنت خواندن شوی و زن بر یکدیگر (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۳، ص ۱۹۷۰۷) از معانی است که در کتاب های لغت به آن اشاره شده است. از این مصدر، واژه «لعن» که جمع آن «لعان» و «لعنات» است ساخته شده که نیز به معنای دور ساختن و طرد کردن می باشد. بدین



جهت به شخصی که از سوی مردم مورد دشنام و ناسزا واقع شده «لعین» یعنی مطرود می گویند. «لعان» و «التعان» و «ملاعنه» در لغت به معنای وقوع نفرین و دشنام بین دو یا چند نفر است و بدین ترتیب به عمل کسی که خودش را مورد دشنام و نفرین قرار داده «لعان» نمی گویند، لذا چنانچه دو یا چند نفر به یکدیگر دشنام دهند و نفرین کنند گفته می شود که یکدیگر را «لعان» نموده اند در طوایف عرب جاهلی وقتی که فردی از قبیله آنها از دستورها و سنن قبیله تمرد و سرکشی می کرد او را از قبیله خود می راندند و به چنین شخصی اصطلاحاً گفته می شد که وی لعین قبیله است

گفتار دوم: مفهوم حقوقی و فقهی

بند اول: مفهوم فقهی: لعان مصدر باب مفاعله به معنای ملاعنه است و در اصطلاح فقهی، عبارت است از انجام مباحله بین زن و شوهر که با لفظ مخصوصی نزد حاکم انجام شده و به منظور برطرف ساختن حد یا نفی کردن فرزند از خود صورت می گیرد (شهید ثانی، ۱۴۲۵، ج ۳، ص ۳۹؛ نجفی، ۱۹۸۱، ج ۳۴، ص ۵؛ خمینی، ۱۴۲۷، ج ۲، ص ۳۲۲). به اعتقاد برخی دیگر لعان یا ملاعنه تشریفات خاصی است که با اجرای آن زن و شوهر یکدیگر را لعن می کنند. به این نحو که شوهر با سوگندهای ویژه ای به زن خود نسبت زنا می دهد یا کودکی را که از همسرش متولد شده فرزند خود نمی داند و زن با سوگندهای مشابهی اتهام را رد می کند. با تحقق لعان زن و شوهر از یکدیگر جدا شده و ازدواج دوباره آنها تا ابد ممنوع است (طاهری، ۱۴۱۸، ج ۳، ص ۹۳). فقهای امامیه برای لعان به آیات ۶ تا ۹ سوره نور و احادیث استناد کرده اند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۱۶۲؛ طوسی، ۱۳۹۰، ج ۳، ص ۳۷۰).

بند دوم: مفهوم حقوقی

قانونمندیهای تکامل جنسی به همان اندازه به کار گرفته شوند که قوانین مربوط به ذهن عملکرد فردی انسانها بستگی به سلامت فیزیولوژیک ارگانهایی دارد و این سلامت زمانی می تواند تامین گردد که شناخت کافی در باره عملکرد این ارگانها وجود داشته باشد باید یاد اور



شد که میل جنسی در همه انسانها یک سان نیست میل جنسی را می توان در شرایط استثنایی به طور موقت منحرف کرد از طریق مسیرهای دیگری پون ورزش کردن ، مطالعه کردن و کارهای هنری و غیره سوق داد اماچنین عملی تنها برای مدتی کوتاه در اشخاص امکان پذیر است ادامه آن می تواند اثرات خرد کننده ای درافراد داشته باشد درروند رفتار جنسی محرومیتهای ناشی از شرایط زنان نسبت به مردان فشار بیشتری را متحمل می شوند در برابر آنها موانع و مصائب پیچیده ای قرار دارد تحت فشاربودن زنان از نظر جنسی و محرومیتهای شدیدی که آنها قبل از ازدواج تحمل می کنند از جمله عواملی است که روی رفتار اجتماعی آنها تاثیر می گذارد آنها را از مردان متمایز می سازد در واقع ریشه اصلی برای این موضوع که چرا برخی از زنان بعد از ازدواج میل به ایجاد ارتباط با مردان دیگر دارند همین است متأسفانه باید گفت که چنین موضوعاتی در جامعه اسلامی ما به وضوح دیده می شود با اینکه محدودیتهایی بسیاری در روابط آزاد افراد با یکدیگر وجود دارد ولی همین محدودیتها و کنترل بیش از حد نه تنها نمی تواند اثرات مثبت داشته باشد بلکه اثرات و عواقب منفی نیز دارد (افشارنیا ، علی رضا ، زن و رهایی نیروهای تولید انشازات پیشگام ، جلد اول ، ۱۳۵۷ ، ۱۶۲).

هیچ کس حاضر نیست در تمام طول زندگی برخلاف آنچه طبیعت اقتضا می نماید رفتار کند انسان عاقل و کامل در نهایت خود باید بداند که در زندگی چه چیزی می خواهد چه هدفی دارد این انسان باید بتواند بهترین راه حل ها را برای رسیدن به هدفش انتخاب نماید رسیدن به این اهداف مثبت نباید با اجبار و اکراه همراه باشد نباید این اهداف به صورت رویایی دست نیافتنی جلوه کند مساله مطرح شده راجع به گرایشهای جنسی می تواند بسیاری از افراد جامعه به علت محدودیتی که دارند تبدیل به رویا شود می دانیم هر فکر یا هدفی که دست نیافتنی باشد انسان را به آن حریص تر می کند این انسان حریص دچار مشکلات روحی و روانی هم شده و سعی می کند خلاء ایجاد شده در درون خود را با روشهای مختلف پر کند مخصوصا این موضوع زمانی جلوه گر می شود که ازدواج به اجبار و تحمیلی باشد زمانی که شخصی از روی اجبار با شخصی ازدواج می کند که هیچ علاقه ای به او ندارد در عمق ذهن



خود در تمام طول زندگیش به دنبال کسی است که به او علاقه داشته باشد در نهایت برای رسیدن به خواسته هایش دست به انجام کارهایی می زند که حتی فکرش را هم نمی کرد در دوران قبل از ازدواج به علت وجود فاصله زمانی زیاد بین بلوغ جنسی از نظر طبیعی تا رسیدن به مرحله اقتصادی که ازدواج را ممکن می کند دختران مجبور می شوند تا امیال جنسی خود را سرکوب نمایند و در این موضوع ناراحتی روحی، همجنس گرایی و حتی خودکشی میان آنها دیده می شود (افشار نیا، ۱۶۲)

دربعضی از خانواده های سستی برای پسر بیش از دختر ارزش قائل شده است دختر خود را موجودی بی ارزش می یابد که بر تمام اندیشه و احساسات خود پا بگذارد بهترین راه حل را پشت کردن به خانه و خانواده می داند

در خصوص اختلاف ناشی از تفاوت سنی زن و شوهر خصوصا در مواردی که زن بسیار جوان است و مرد مسن بدهی است که با این اوضاع و احوال نمی توان به آینده زندگی این گونه زوجها که دارای روحیه و رفتار متفاوت هستند امیدوار بود. (صادق نجفی، صادق، ناملايمات زناشویی و علل طلاق، کتابخانه ملی، چاپ عماد، سال اول، ۱۳۵۷، ۴۶)

این دختران جوان چون انگیزه ازدواج را فرار از خانه پدری یا رسیدن به ثروت می دانند. در یک ازدواج موفق ابتدا باید زن و مرد همدیگر را به درستی بشناسند و زمانی که احساس کردند که می توانند یک ارتباط صحیح و سالم را در کنار یکدیگر داشته باشند اقدام به ازدواج نمایند با میل و رضا و گر نه این ازدواج دوامی نخواهد داشت و ممکن است عواقب شومی هم با خود داشته باشد.

در خصوص وابستگی اقتصادی در مورد زنان عدم استقلال مادی زندگی آنها را تحت شعاع قرار می دهد (افشار نیا، ۱۳۵۷، ۱۵۰).